



بحث سوم) آیا لازم است استصبح تحت السماء باشد؟

در امر اول گفتیم که لازم نیست شرط استصبح یا قصد آن در ضمن بیع دهن متنجس باشد اما در این امر بحث می کنیم که استصبح به عنوان انتفاع از متنجس آیا لازم است تحت السماء باشد؟ پس این بحث ربطی به مباحث بیع دهن ندارد و در حقیقت پاسخ به این سوال است که «آیا استصبح دهن متنجس در صورتی جایز است که تحت السماء باشد؟»

مرحوم شیخ انصاری می نویسد:

«المشهور بین الأصحاب وجوب كون الاستصبح تحت السماء، بل فی السرائر: أن الاستصبح به تحت الظلال محظور بغير خلاف.

و فی المبسوط: أنه روى أصحابنا أنه يستصبح به تحت السماء دون السقف.

لكن الأخبار المتقدمة على كثرتها و ورودها فی مقام البيان ساكنة عن هذا القيد، و لا مقيد لها من الخارج عدا ما يدعى من مرسله الشيخ المنجبرة بالشهرة المحققة و الاتفاق المحكي.

لكن لو سلم الانجبار فغاية الأمر دورانه بين تقييد المطلقات المتقدمة، أو حمل الجملة الخبرية على الاستصحاب أو الإرشاد؛ لئلا يتأثر السقف بدخان النجس الذي هو نجس بناءً على ما ذكره الشيخ من دلالة المرسله على نجاسة دخان النجس إذ قد لا يخلو من أجزاء لطيفة ذهنية تتصاعد بواسطة الحرارة.

و لا ريب أن مخالفة الظاهر فی المرسله خصوصاً بالحمل على الإرشاد أولى، خصوصاً مع ابتناء التقييد: إمّا على ما ذكره الشيخ من دلالة الرواية على نجاسة الدخان المخالفة للمشهور، و إمّا على كون الحكم تعبدًا محضاً، و هو فی غاية البعد. و لعله لذلك أفتى فی المبسوط بالكراهة مع روايته للمرسله.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. مشهور آن است که اگر می خواهیم از دهن متنجس، در استصبح انتفاع ببریم، واجب است که تحت السماء باشد.

۲. سرایر می نویسد: استصبح تحت الضلال بلا خلاف ممنوع است.

۳. شیخ طوسی می نویسد اصحاب ما روایت کرده اند که استصبح به دهن متنجس تحت السماء باشد و نه زیر سقف.

۴. اما در میان روایات، چنین قیدی نیست، مگر همین مطلبی که شیخ طوسی ادعا کرده است (روایت مرسل که به وسیله شهرت و اتفاق حکایت شده، جبران شده است) [و این روایات در مقام بیان است و کثیر است و لذا مطلق است]

۱. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیثة)؛ ج ۱، ص: ۷۸



۵. اما: اگر هم بپذیریم که شهرت محقق و اتفاق محکی جابر ضعف روایت مرسله باشد [ما می گوئیم: چراکه شاید استناد مشهور به این روایت نباشد بلکه علت فتوای آنها آن است که تنجیس سقف را حرام می دانند و دخان را نجس می دانند] باز هم استدلال کامل نیست چراکه:

۶. ممکن است روایت مبسوط، دال بر استحباب باشد و ممکن است ارشاد باشد به اینکه سقف از دود نجس متأثر نشود (چراکه برخی گفته اند دود نجس است و استدلال آورده اند به همین مرسله و اضافه کرده اند که دود حاوی اجزاء نجس است)

۷. حال: به جهت آن که:

اگر بخواهیم حکم به وجوب استصحاب تحت السماء کنیم، لازم است یا ملتزم شویم به اینکه دود نجس است که این مخالف مشهور است و یا ملتزم شویم به تعبد صرف که بعید است.

۸. پس حمل روایات بر ارشاد اولی است [حتی از حمل بر استحباب چراکه استحباب تعبدی هم بعید است].

۹. و شاید به همین جهت (که در شماره ۷ آوردیم) شیخ طوسی که روایت مرسله را نقل کرده، حکم به کراهت استصحاب تحت الظل کرده است.

ما می گوئیم:

۱) وجوب در این بحث، به معنای حکم وضعی است و به معنای آن است که شرط جواز انتفاع، آن است که تحت السماء باشد.

۲) در میان فقها گروهی به صراحت استصحاب تحت الظل را جایز ندانسته اند از آن جمله اند:

۱. شیخ مفید در مقنعه:

«و إذا وقع ذلك في الدهن جاز الاستصحاب به تحت السماء و لم يجز تحت الظلال.»<sup>۱</sup>

۲. شیخ طوسی در نهاییه:

«و إن كان ما حصل فيه الميتة مائعا، لم يجز استعماله، و وجب إهراقه. فإن كان دهنا مثل البزر و الشیرج، جاز الاستصحاب به تحت السماء. و لا يجوز الاستصحاب به تحت الظلال، و لا الأذهان به.»<sup>۲</sup>

۳. شیخ طوسی در مبسوط:

۱. المقنعة (للشيخ المفيد)؛ ص: ۵۸۲

۲. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى؛ ص: ۵۸۸



«يجوز بيع الزيت النجس لمن يستصبح به تحت السماء و لا يجوز إلا لذلك.»<sup>١</sup>

٤. ابن ادریس در سرایر:

«و ان كان دهنًا، مثل الشيرج و البزر، جاز الاستصبح به تحت السماء، و لا يجوز الاستصبح به تحت الظلال، لا لأن دخانه نجس، بل تعبّد تعبّدنا به، لان دخان الأعيان النجسة و رمادها طاهر عندنا بغير خلاف بيننا، و لا يجوز الاذهان به، و لا استعماله في شيء من الأشياء، سوى الاستصبح تحت السماء.»<sup>٢</sup>

٥. ابن براج در المهذب:

«و إذا وقع شيء من ذوات الأنفس السائلة في شيء نجسه فإن كان ما وقع فيه مائعا مثل الزيت و الشيرج و ما أشبه ذلك من الادهان لم يجز استعماله في أكل و لا غيره الا في الاستصبح به تحت السماء، و لا يجوز الاستصبح به تحت السقف و لا ما يستظل به الإنسان.»<sup>٣</sup>

٦. محقق حلي در شرايع:

«و لو كان المائع دهنًا جاز الاستصبح به تحت السماء و لا يجوز تحت الأظلة.»<sup>٤</sup>

٧. علامه در قواعد:

«و لو كان مائعا نجس، و جاز الاستصبح به إن كان دهنًا تحت السماء، لا تحت الظلال.»<sup>٥</sup>

٣) تصريح بزرگان به عدم جواز بيع تحت الظل احتمال اینکه قيد «تحت السماء» قيد غالبی باشد را نفی می کند:

«و لو لم يكن كلماته الآخر أمكن حمل قوله هنا: «تحت السماء» على التغليب لا التقييد، من جهة أن مصرف الدهن النجس في تلك الأعصار كان بحسب الغالب منحصرا في الاستصبح به تحت السماء لئلا تتلوث وسائل التعيش و سقوف البيوت.»<sup>٦</sup>

٤) روایت مبسوط که در کتاب اطعمه و اشربه آمده است، چنین است:

«و رووا أصحابنا أنه يستصبح به تحت السماء دون السقف، و هذا يدل على أن دخانه نجس غير أن عندی أن هذا مكروه. ... فأما ما يقطع بنجاسته قال قوم دخانه نجس و هو الذي دل عليه الخبر الذي قدمناه من رواية أصحابنا، و قال آخرون و هو الأقوى عندی أنه ليس بنجس.»<sup>٧</sup>

١. المبسوط في فقه الإمامية؛ ج ٢، ص: ١٦٧

٢. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى؛ ج ٣، ص: ١٢١

٣. المهذب (لابن البراج)؛ ج ٢، ص: ٤٣٢

٤. شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام؛ ج ٣، ص: ١٧٨

٥. قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام؛ ج ٣، ص: ٣٣١

٦. دراسات في المكاسب المحرمة؛ ج ٢، ص: ٣٦

٧. المبسوط في فقه الإمامية؛ ج ٦، ص: ٢٨٣